

یادداشت

دولت سیزدهم منتظر نتایج مذاکرات است



مصطفی داننده روزنامه نگار

مشاور تیمم مذاکره کننده در وین گفته است که ضرب الاجل طرف مقابل ارزشی برای ایران ندارد چرا که حتی اگر به فرض طرف مقابل از برجام خارج شده و مکانیسم ماشه اجرا و چند قطعه نامه علیه ایران احیا شود چه اتفاقی خواهد افتاد؟ مگر در حال حاضر فشار حداکثری علیه ایران وجود ندارد؟ به تعبیر دیگر، مگر کاری بوده که آنها علیه ایران انجام نداده باشند. بی مقدمه خطاب به جنابشان باید عرض کنم که زندگی شما را نمی دانم اما سفره زندگی ما کوچکتر و کوچکتر خواهد شد. اصلا دولت سیزدهم الان برای این پای میز مذاکره است که تحریمها اتفاقات عجیب و غریبی را رقم زده است و زندگی مردم را دگرگون کرده است. شما راست می گوید، امریکای ترامپ هر کاری که بلد بود و هر تحریمی که می شد را سر ایران اعمال کرد و فشاری بالاتر از آن وجود ندارد اما حرف این است که دیگر تصادف نخواهد بود. همین الان کم مردم زیر فشار اقتصادی به کمائی می ماند که با قدرت کشیده شده است بعد شما می گوید چه اتفاقی خواهد افتاد؟ یک روز دست به دست هم سری به بازار بزنیم. یا اصلا همان پشت میز کار شما قیمت های زمان برجام و دورانی که ترامپ از برجام خارج شد را با هم مقایسه کنیم تا تفاوتها به خوبی مشخص شود. بیایید آرزوهای مردم در آن زمان را با این روزها نگاه و مقایسه کنیم تا متوجه شویم چه در جامعه رقم خورده است. برای اینکه راحت تر متوجه این داستان شوید لازم است بگویم زمانی، مردم بعد از گرفتن گواهینامه به سراغ خرید پراید می رفتند تا اگر از راه حل های ماندگار دست پیدا کرد حداقل این است که آینده سیاسی رئیس و بایدن با خواب خرید پراید می بینند. جوانان به جای گوسفندان، تعداد سال هایی که باید کار کنند تا بتوانند خانه دار شوند را می شمارند تا خوابشان ببرد که در این میان یادشان می افتد تعداد ماه هایی که باید قسط بدهند را فراموش کرده اند و شروع به شمارش آنها می کنند. کار به جایی رسیده است که برنامه ریزی در ایران ساعتی شده است و آدمها فراموش کرده اند چگونه می شود برای ماه یا سال بعد برنامه ریزی کرد. بله، شما احتمالا حقوق خوبی می گیرید. سر وقت هم پرداخت می شود، خانه ای هم دارید و خیلی تحریمها شما را اذیت نکند اما برای ما نفس ننگناشته است. اگر دیوار شد را بالا می رویم، هر چه می رویم نمی رسیم و اگر پای می هم اشتباه بگذاریم، سقوط می کنیم که بیا و ببین. تداوم وضع موجود بدترین اتفاقی است که می تواند بیفتد. این مدت هم نشان داد که دولت سیزدهم هم مانند دولت پیشین منتظر نتایج مذاکرات احیای برجام است و اگر نبود امروز قیمت ارز مانند کرس ها بالای سر ۳۰ هزار تومان پرواز نمی کرد.

نکته و نظر

نوآوری شبکه خبر



حجت‌ا... عباسی مدرس دانشگاه

شبکه خبر گزارشی چند روز قبل درباره وقوع همزمان صدای مهیب در استان های غرب کشور پخش کرده است. این گزارش در صدد است این موضوع را به وقوع پدیده رعد و برق گره بزند. گزارش باید قادی به اقعان، نفوذ و تاثیر گذاری در افکار عمومی باشد. اقعان عبارت است از تلاش صادقانه برای مجاب ساختن افکار عمومی با ارائه اطلاعات صحیح و دقیق و سریع. برای تهیه گزارش هر رخداد اجتماعی به دو شکل «مرکز» و «حاشیای» می توان ورود کرد. در شکل مرکزی، برای متقاعد ساختن و اقعان پذیری مخاطبان قاعدتا باید ابتدا فکت های بااهمیت رویداد منتشر شوند. گزار شگر باید در متن وقایع حضور یافته و به تبیین وقایع محوری بپردازد و طرح مسائل حاشیای به متقاعدسازی منجر نمی شود. چنین صدهایی می تواند ناشی از فعل و انفعالات نظامی، تحولات اقلیمی، زلزله و سایر پدیدهها باشد. ایشان ظامی مسئولان را راحت کرده و وقوع صدای مهیب را به رعد و برق مرتبط کرده است. پرسش این است چرا مهم ترین عامل این رخداد وقوع رعد و برق قلمداد شده است؟ پیام زیرمتنی گزارش این است که رعد و برقی در این مقیاس تا کنون در منطقه غرب کشور مسبق به سابقه نبوده است. موجب تعطیلی پروازهای هوایی شده و از این رو خبر آن برای مخاطبان جذاب است. وقتی پیش فرض گزارش رعد و برق دانسته شود، قاعدتا ضرورت داشت با مسئولان و کارشناسان سازمان هواشناسی ناحیه غرب ایران مصاحبه شود. در ویدئو این گزارش اظهارات تعدادی از شهروندان کرمانشاهی، نه حتی سه استان ایلام، کردستان و همدان، پشت سرهم کات خورده است. بدون اینکه مشخص باشد اصلا مصاحبه شوندگان نیمه شب بیدار بوده اند؟ این گزارش نه تنها موجب اقعان افکار عمومی نمی شود، بلکه ابهام های بیشتری ایجاد کرده است. حتی گزار شگر اقعان ناپذیری خود را بروز داده است. آنجا که می گوید: تا کنون هیچ منبع رسمی علت این صدای مهیب را اعلام نکرده است! پرسش این است کدام نهاد اجتماعی بجز رسانه ها باید هنگام سکوت خبری مسئولان، سراغ آنها ببرند؟! یکی از نوآوری های این گزارش نسبت به فعالیت تیم مدیریتتی رسانه شبکه خبر، این است که به اقدام شهروند-خبرنگاران سابقه های اجتماعی و رسانه های بین المللی به خاطر پیش دستی در انتشار اطلاعات این رخداد، لعن و نفرین نگفته است!

صبح زنگنه در گفت و گو با «آرمان ملی»:

بایدن به توافق با ایران نیاز جدی دارد

بایدن و رئیس و دو آینده سیاسی متفاوت پیش رو دارند

ظریف برای مذاکرات سناریوهای مختلفی طراحی می کرد

توافق با ایران برگ برنده انتخاباتی برای بایدن است

ظریف برای مذاکرات سناریوهای مختلفی طراحی می کرد

شرایط ایران و آمریکا برای رسیدن به توافق بلندمدت فراهم نیست

توافق با ایران جایگاه بایدن را در محیط بین المللی ارتقا خواهد داد

احیای برجام ممکن است رابطه آمریکا و اسرائیل را تیره کند

عقلانیت به وجود آمده در مذاکرات را باید به فال نیک گرفت

احتمال توافق دائمی نه اما احتمال توافق موقت وجود دارد

سه شنبه
۱۴۰۰/۱۰/۲۸
۱۸/ژانویه ۲۰۲۲

سال پنجم
شماره ۱۲۱۱
armanmeli.ir



آرمان ملی - احسان انصاری: آیا ایران و کشورهای غربی به یک توافق بلندمدت خواهند رسید و یا در شرایط کنونی زمینه برای توافق موقت بیشتر فراهم است؟ «آرمان ملی» برای پاسخ به این سؤال و تحلیل و بررسی آخرین وضعیت مذاکرات با دکتر صباح زنگنه تحلیلگر روابط بین الملل گفت و گو کرده است. زنگنه معتقد است: «در شرایط کنونی راهی به جز خوشبینی و امیدواری نسبت به آینده و رسیدن به یک راه حل ماندگار وجود ندارد و طرفین نیز به خوبی به این نکته آگاهی دارند. واقعیت این است که اگر امروز نتوان به راه حل های ماندگار دست پیدا کرد حداقل این است که می توان نسبت به راه حل های موقت امیدوار بود. نکته حائز اهمیت این است که آینده سیاسی رئیس و بایدن با هم متفاوت است. رئیس و تازه قدرت را در ایران به دست گرفته و احتمال تکرار دوران ریاست جمهوری وی نیز در آینده وجود دارد. با این وجود این وضعیت درباره بایدن صادق نیست. نزدیک به دو سال از عمر دولت بایدن گذشته و وی با چالش های مهمی در جامعه آمریکا مواجه است». در ادامه ماحصل این گفت و گو را می خوانید.

را در بین شرکای اروپایی خود و همچنین رقبای جهانی این کشور مانند چین و روسیه احیا کند. در شرایط کنونی آمریکا ایستار این است که سطح غنی سازی ایران دوباره به حالت قبل یعنی پس از برجام سال ۲۰۱۵ برگردد و روند معکوسی از سوی ایران در این زمینه صورت بگیرد. به نظرمی رسیدن این درخواست نیز از سوی ایران پذیرفته نخواهد شد. تنها در صورتی ایران این درخواست را خواهد پذیرفت که به همان اندازه تحریمها کاهش پیدا کند و از بین برود و آثار آن نیز وجود نداشته باشد.

این اتفاق نیز نیازمند راستی آزمایی است و باید در عمل به وجود بیاید. خسارت هایی که تحریم های آمریکا بر ایران اعمال کرده از جمله موضوعاتی است که ایران در مذاکرات به دنبال احقاق آن خواهد بود. تحریم های آمریکا خسارت های زیادی را بر محیط کسب و کار، بهداشت و درمان و افزایش شمار قربانیان ناشی از ویروس کرونا بر ایران وارد کرد. خواسته مهم دیگری که ایران دارد این است که آمریکا و دیگر کشورهای عضو برجام دیگر از برجام خارج نشوند تا اتفاقات گذشته دوباره تکرار نشود.

یکی از نکاتی است که در روند مذاکرات مشاهده می شود عدم اختیارات کافی تیم مذاکره کننده ایران است. به همین دلیل نیز پس از هر دور مذاکره و زمانی که مذاکرات به نقاط تعیین کننده می رسد آقای باقری با قطع مذاکرات تصمیم می گیرد به ایران سفر کند تا با مشورت در تهران نتیجه نهایی را به طرف مقابل اعلام کند. این اتفاق برای آقای ظریف رخ نمی داد و ظرفیت ابتکار عمل بیشتری در این زمینه داشت. ارزیابی شما از این موضوع چیست؟ آقای ظریف نیز با محدودیت هایی مواجه بود و شرایط به شکلی نبود که همه تصمیمات یا تصمیمات تعیین کننده را به تنهایی بگیرد. تفاوت تیم مذاکره کننده آقای ظریف با تیم فعلی این است که آقای ظریف سناریوهای متنوعی را در مذاکرات برای مذاکرات طراحی می کردند و بر اساس شرایط مذاکرات از این سناریوها استفاده می کردند. از سوی دیگر سؤالات مورد توجه و خطوط قرمز نظام را پیش بینی می کردند و تلاش می کردند پاسخ سؤالات را از قبل و در ملاقات صورت گرفته پیدا کنند. ظریف مانند کسی بود که چندین فصل آینده را پیش بینی کرده، راه حل آن را گرفته و آماده کرده بود. تنها حوادث و اتفاقاتی که در حین مذاکرات باقی می ماند که آنها نیز از مسیرهایی که خود تشخیص می داد عمل می کرد و به نتیجه می رسید. این وضعیت برای تیم آقای باقری وجود ندارد. تیم مذاکره کننده نیز تلاش می کند که رسالت خود را به درستی انجام بدهد. شاید قطع مذاکرات و بازگشت به تهران برای مشورت یک تاکتیک باشد برای اینکه استثنای ایران را در مقابل کشورهای ۴۰۱ نشان دهد. دولت سیزدهم رویکرد مدیریتی خود را تنها به برجام مرتبط نمی داند و روابط مسیره های دیگر را نیز در نظر دارد و روابط

بین المللی خود را توسعه می دهد. این رویکرد نشان دهنده این است که ایران حاضر نیست به هر دلیل قیمتی مذاکره کند. این ذهنیت در بین مذاکره کنندگان نیز وجود دارد و ترک مذاکرات بیشتر با توجه به استثنای ایران صورت می گیرد. ایران در حال نشان دادن این موضوع است که این ایران نبوده که توافق برجام را بهم زده و بلکه طرف مقابل بوده که بازی را بهم زده و در شرایط کنونی نیز طرف مقابل باید تمایل بیشتری برای مذاکره و توافق از خود نشان بدهد. شرایط امروز به شکلی است که باید با رویکرد عقلانی و اصلاح وضعیت اقتصادی مردم فشارهایی که روی مردم وجود دارد را کاهش داد و یا از بین برد. ما باید به وجود آمدن عقلانیت در تیم مذاکره کننده هسته ای را به فال نیک بگیریم و تا زمانی که تصمیمات جنبی عقلانی و در راستای منافع ملی قرار دارد باید از این تصمیمات حمایت کرد. مهم نیست چه کسی مذاکره می کند و یا مذاکرات را به نتیجه می رساند، بلکه نکته مهم این است که تحریم های ظالمانه که پیامدهای منفی زیادی برای کشور و مردم داشته برداشته شود تا فشار از زندگی مردم برداشته شود. در این زمینه باید از رقابت های جناحی پرهیز و با حمایت از دولت زمینه را برای رشد و توسعه کشور فراهم کرد.

بخشی برای آمریکا نیست. آمریکا علاوه بر چالش های مهم داخلی و بین المللی که دارد نگران این موضوع نیز هست که ایران به توسعه برنامه هسته ای خود ادامه بدهد. در شرایطی که ایران همچنان در این مسیر حرکت کند زمان برای آمریکایی ها از بین می رود و دیگر فرصت بازاندیشی درباره برخی مسائل از دست خواهد رفت.

در شرایط کنونی جمهوریخواهان در آمریکا تلاش زیادی می کنند دولت بایدن با ایران به توافق دست پیدا کنند. آیا بایدن قصد دارد از توافق با ایران و بازگشت احتمالی به برجام به عنوان برگ برنده انتخاباتی استفاده کند و یا اینکه جمهوریخواهان با فضا سازی هایی که انجام می دهند اجازه چنین کاری به بایدن نخواهند داد؟

بدون تردید بایدن قصد دارد از توافق با ایران به عنوان یک برگ برنده انتخاباتی در آینده استفاده کند. در شرایط کنونی یکی از موضوعات مهم مناقشه برانگیز در منطقه خاورمیانه و جهان موضوع پرونده هسته ای ایران است. از سوی دیگر کشورهای رقیب آمریکا مانند چین و روسیه که گاهی از عنوان دشمن درباره آنها استفاده می شود نیز به آمریکا فشار وارد می کنند. بایدن می تواند با توافق با ایران تا حدودی از زیر این فشارها خارج شود. این وضعیت درباره شرکای اروپایی آمریکا نیز وجود دارد. کشورهای اروپایی از توسعه برنامه هسته ای ایران نگران هستند و این نگرانی را به طور صریح بیان می کنند. این کشورها از منافی که برای خود در نظر گرفته بوده اند عقب افتاده و موفق نشده اند به اهداف خود دست پیدا کنند. نگرانی ها درباره مسائل امنیتی منطقه خاورمیانه نیز در بین این کشورها وجود دارد. به همین دلیل به دست آوردن یک موفقیت در برابر محیط بین المللی می تواند یک برگ برنده برای دولت بایدن به شمار برود. این وضعیت در داخل آمریکا نیز وجود دارد. جمهوریخواهان همواره مخالف توافق با ایران بودند و کاری که می توانستند انجام بدهند نیز انجام دادند و از برجام خارج شدند. با این وجود هنگامی که دولت و ساختار سیاسی آمریکا دوباره به برجام باز گردد و یکی از نگرانی های نسبتا بزرگ آمریکا از بین می رود. در چنین شرایطی فشارهای اسرائیل برای عدم توافق با ایران نیز پایان پیدا می کند. البته این احتمال نیز وجود دارد که عکس العمل دولت آمریکا نسبت به اسرائیل نسبت به گذشته حادث شود. در این

زمینه ممکن است برخی اقدامات و رویکردهای روسای جمهور دموکرات آمریکا در مقابل اسرائیل دوباره مورد توجه قرار بگیرد و روابط دو کشور و موضع گیری مسئولان دو کشور تحت تاثیر قرار بدهد.

در چه شرایطی ایران و کشورهای ۴۰۱ به یک توافق بلندمدت دست پیدا خواهند کرد؟ این توافق بلندمدت چه ویژگی هایی خواهد داشت؟

دستیابی به یک توافق بلندمدت نیازمند زمینه سازی های بیشتر و گسترده تر در داخل ایران و آمریکا است. البته توافقی که منافع هر دو طرف را محقق کند مطلوب تر است و در دستور کار دو طرف نیز قرار دارد. با این وجود به شرایط آمریکا برای رسیدن به یک توافق بلندمدت فراهم است و نه ایران. این وضعیت به خصوص درباره ایران وجود دارد. اینکه بایدن عنوان می کند قصد دارد به برجام بازگردد و با ایران توافق کند یکی از آرزوهای وی است و بایدن به خوبی به این نکته آگاهی دارد که در صورت رسیدن به توافق با ایران می تواند از نتایج سیاسی این توافق برای بهبود جایگاه خود در عرصه داخلی و بین المللی استفاده کند. این توافق می تواند وجهه از دست رفته آمریکا در دوران ترامپ

مذاکرات در حالی ادامه پیدا می کند که خبرهای امیدوار کننده ای نسبت به گذشته به گوش می رسد. آیا ایران و کشورهای غربی در مسیر توافق قرار گرفته اند؟

هنوز اتساق مشخصی که بتوان آن را نشانه ای برای توافقی قلمداد کرد رخ نداده است. تجربه نشان داده طولانی کردن مذاکرات به جز اینکه طرفین وارد جزئیات مختلف شوند و شرایط را پیچیده تر کنند نتایج دیگری به همراه نخواهد داشت. در شرایط کنونی افکار عمومی و مجموعه عوامل بین المللی به دنبال این هستند که طرفین زودتر به نتیجه برسند. نکته مهم در این زمینه این است که ما باید بین اظهارات مطرح شده در این زمینه و اقداماتی که صورت می گیرد تمایز قائل شویم. اظهاراتی که درباره مذاکرات مطرح می شود در اغلب مواقع جنبه پروپاگاندا و تبلیغاتی دارد و کمتر جنبه واقع گراییه دارد. به همین دلیل اگر کسی از مذاکره کنندگان عنوان کرد به زودی به توافق دست پیدا خواهیم کرد باید این نکته را در نظر گرفت که این سخن واقعبینانه نیست و چنین اتفاقی رخ نخواهد داد. هر روز این احتمال وجود دارد که مسائل جدیدی در مذاکرات مطرح شود و شرایط تغییر کند. این اتفاقی است که در طول زمان رخ خواهد داشت. باید امیدوار بود که ایران و کشورهای غربی به این نتیجه

برسد که درباره پرونده هسته ای ایران راهی به جز گفت و گو و توافق وجود ندارد و راه های دیگر از همان ابتدا محکوم به شکست است.

با توجه به شرایط موجود آیا می توان امیدوار بود که ایران و کشورهای غربی در کوتاه مدت به توافق دست پیدا کنند؟ برای رسیدن به یک توافق در کوتاه مدت چه راهکارهایی باید در دستور کار قرار بگیرد؟

این موضوعی است که در سایه بحث انتظار مطرح می شود. در شرایط کنونی راهی به جز خوشبینی و امیدواری نسبت به آینده و رسیدن به یک راه حل ماندگار وجود ندارد و طرفین نیز به خوبی به این نکته آگاهی دارند. واقعیت این است که اگر امروز نتوان به راه حل های ماندگار دست پیدا کرد حداقل این است که می توان نسبت به راه حل های موقت امیدوار بود. نکته حائز اهمیت این است که آینده سیاسی رئیس و بایدن با هم متفاوت است. رئیس و تازه قدرت را در ایران به دست گرفته و احتمال تکرار دوران ریاست جمهوری وی نیز در آینده وجود دارد. با این وجود این وضعیت درباره بایدن صادق نیست. نزدیک به دو سال از عمر دولت بایدن گذشته و وی با چالش های مهمی در جامعه آمریکا مواجه است. به همین دلیل تصور تکرار دوران ریاست جمهوری بایدن سخت به نظر می رسد. شرایط در جامعه آمریکا به شکلی است که احتمال رخ دادن اتفاقات زیادی وجود دارد. انتخابات میان دوره ای کنگره آمریکا، درگیری ها و اختلافات دوحزبی و مسائل اقتصادی از جمله مسائلی است که بایدن در آینده با آن مواجه خواهد بود. از سوی دیگر چالش های مهم و بزرگی که بین آمریکا، چین و روسیه در عرصه بین المللی رخ داده و جملات تهدید آمیزی که سران این کشورها نسبت به هم مطرح می کنند نشان می دهد که نمی توان آینده سیاسی روشنی برای بایدن تصور بود. این مسائل فرصت تأمل روی پرونده هسته ای ایران را کوتاه و کم می کند. به همین دلیل بایدن باید عجله بیشتری برای رسیدن به توافق با ایران داشته باشد تا بتواند این توافق را چه در عرصه داخلی و چه در عرصه بین المللی به عنوان یک موفقیت مطرح کند. توافق احتمالی می تواند یکی از برگ های برنده بایدن و دموکرات ها در رقابت های انتخاباتی ریاست جمهوری آینده باشد. به همین دلیل نیز مقامات آمریکایی عنوان می کنند برای رسیدن به توافق با ایران چند هفته بیشتر فرصت وجود ندارد. با این وجود آمریکایی ها دیگر مانند گذشته ادعای بزرگی علیه ایران مطرح نمی کنند و به نوعی تعادل در موضع گیری های آنها به وجود آمده است. امروز آمریکا به برجام هم قانع است. دلیل این موضوع این است که روند در پیش گرفته شده روند اطمینان

دیدگاه

بودجه و خوش بینی های بی اثر

ادامه از صفحه اول/

کشور و تغییر مدیران و مکرر قوانین است. به عیسارت دیگر این عوامل مانع سرمایه گذاری یا ورود سرمایه گذاران به کشور می شوند و تورم هم یکی از این موارد است. حالا در این شرایط اگر تورم را هم کاهش بدهند که به قیمت تشدید رکود اقتصادی خواهد بود، تا زمانی که موانع اصلی و جدی ورود سرمایه گذاران به کشور از بین نرود، کاهش تورم هیچ کمکی به افزایش سرمایه گذاری داخلی و خارجی در اقتصاد ایران نخواهد کرد بلکه با تشدید رکود مشکلات اقتصادی بیشتری را به اقتصاد کشور تحمیل خواهد کرد. از به نظر می رسد دولت بیش از آنکه به اصلاح عوامل موثر در رشد تورم توجه داشته باشد صرفا به کاهش تورم اشاره دارد ولی در این باره برنامه ای را هم ارائه نداده است، هر چند اعا کرده اقداماتی نظیر کاهش استقرار از بانک مرکزی یا بانک ها را در پیش گرفته، اما شواهد و قرائن چیز دیگری نشان می دهد. تورم دورقمی عوامل ریشه ای در اقتصاد دارد و تا وقتی این ریشه ها خشک نشوند کاهش تورم نمی تواند به این سرعت که دولت از آن صحبت می کند، اتفاق بیفتد.

فقدان شفافیت مسئولان

و مخفی کاری مردم

ادامه از صفحه اول/

و تیسراژ کتابها در ایران چقدر می باشد یا چه تعداد از مردم دفترچه بیمه دارند. یاد مورد اقتصاد کلان کشور آمار و ارقام حقیقی ارائه نمی شود و در مسائل اجتماعی هنوز مشخص نیست چه تعداد جوان مجرد در کشور وجود دارد و چه تعداد افراد متأهل وجود دارد. چه تعداد جوان آماده از دواج وجود دارد و حتی آمار حقیقی از دواج و طلاق را در کشور اعلام نمی کنند. به همین سبب چون شفاف سازی و شفافیت وجود ندارد پس به دنبال آن مخفی کاری مردم را در اطلاعات داده ها به همراه دارد. ۳- اگر دولت بخواهد مطلع شود در کشور چند واحد صنعتی وجود دارد و از این تعداد چه مقدار از آنها تولیدی و چه مقدار توزیعی و خدماتی می باشند، نمی تواند آمار حقیقی ارائه دهد. علت آن این است که چون مردم اعتماد لازم ندارند که به طور شفاف اطلاعات فردی و خانوادگی خود را در اختیار دولت قرار دهند دست به مخفی کردن اطلاعات کسب و کار و خانواده خود می زنند. اگر مسئولان دست به شفاف سازی بزنند، مطمئن مردم هم دست از مخفی کاری برمی دارند و با مسئولان همکاری می کنند. برای ساختن یک مدینه فاضله، شعر زیر مصداق این موضوع است:

آنکه حساب پاک است از محاسبه چه پاک است

سخن روز

استقرار دولت و چند پرسش

ادامه از صفحه اول/

کل پولی و تورم به روال قبلی بر خواهد گشت. اگر واقعا درآمد های ارزی برگردد بهترین کار این است که دولت این درآمد های ارزی را به وارد کننده کالا هایی که خودش تعیین می کند که چه کالاهایی می تواند وارد شود، بدهد، ریال جمع کند و این ریال جمع شده به خزانه دولت می رفت و دولت هم صرف پرداخت هزینه های جاری یا عمرانی می کرد. یعنی مسیر درست این است که نه تنها نقدینگی جدید خلق نشود، با توجه به اینکه رشد نقدینگی ما به بالای ۴ میلیون و سیصد هزار میلیارد تومان رسیده و این بهمن نقدینگی منجر به این تورم حدود ۴۰ درصد شده، بلکه راهکار اصولی و علمی این است که این نقدینگی جمع بشود. در واقع کوتاه ترین مسیر جمع کردن نقدینگی و بهترین ابزاری که دولت می تواند از آن استفاده کند، درآمد های ارزی است. اگر براساس ادعای مسئولان درآمد های ارزی ناشی از فروش نفت در حال برگشت به کشور است، طبیعی است که می تواند ابزار جمع آوری این نقدینگی باشد که هم به نفع دولت خواهد بود چون سرعت کاهش تورم را افزایش خواهد داد و هم شاخص های کل پولی اصلاح خواهد شد و طبیعتا مردم که انتظار عمومی دارند که قیمت ها کاهش پیدا کند، اتفاق خواهد افتاد ولی اینکه به یکباره می بینیم طی چند ماه گذشته بیش از ۱۰۰ هزار میلیارد تومان دولت از بانک ها پول گرفته، کمی با ادعایی که افزایش درآمد های ارزی و همچنین افزایش ارزش وارد به کشور است، مغایرت دارد. البته حتما درآمدهای ارزی افزایش پیدا کرده هم به دلیل افزایش قیمت نفت و هم به دلیل افزایش میزان فروش. در اینجا کاری به چگونگی فروش نداریم اما اینکه این منابع به داخل کشور آمده است، با توجه به این استقراض دولت از بانک، این دو نمی تواند تناسبی با همدیگر داشته باشد.